

در بدترین شرایط مالی و روحی تصمیم به ساخت فیلم چی چکا گرفتم، به نوعی این بحران موجب همزاد پنداری بیشتر من با منصفی شد. شخصیت هنجارشکن منصفی، اوج و فرودهای احساسی اش بی شباهت به زندگی خودم نبود



«محکومین ۲» به اپیزود شانزدهم رسید

مجموعه تلویزیونی «محکومین ۲» اپیزود جدید خود را با حضور یک بازیگر جدید شروع کرد. «محکومین ۲» به اپیزود شانزدهم رسید بهروز مفید تهیه کننده مجموعه تلویزیونی «محکومین ۲» در گفتگو با خبرنگار حوزه رادیو تلویزیون گروه فرهنگی باشگاه خبرنگاران جوان، درباره آخرین وضعیت تولید این مجموعه اظهار کرد: تا امروز پانزده اپیزود را تصویربرداری کردیم و هم اکنون اپیزود شانزدهم را با حضور بازیگری جدید شروع می‌کنیم. وی بیان کرد: بیشترین لوکیشن‌های اپیزود شانزدهم خارجی است و فقط بخش‌های کوتاهی از آن داخل زندان است که با حضور مزدک رستمی بازیگر جدید این مجموعه تصویربرداری خواهد شد. مفید افزود: تا امروز حدود ۸ تا ۹ اپیزود از سریال «محکومین ۲» کامل شده و حدود ۹۰ درصد کارهای آن‌ها از جمله تدوین، صداگذاری، جلوه‌های بصری و ... آن انجام شده است. این تهیه کننده در پایان یادآور شد: تولید سریال «محکومین ۲» تا اواخر بهار ۹۸ ادامه دارد و تصمیم مدیران بر این است که در پاییز ۹۸ پخش شود.

«چی چکا قصه ی شب» سرنخی برای وصل به کیفیت های گذشته ی این دیار

فیلم سازی مستند در جهان امروز متأسفانه فرمول دارد. هدفش جایزه

و اعتبار در جشنواره‌های خارجیست و نه فرهنگ سازی و رشد. برای اینکه بتوانی جشنواره‌های فرانسه و هلند و... را راضی کنی باید فیلم را اگزوتیک کنی و چیزهایی را که برای غربی جذاب است پررنگ کنی و آبنبات بزرگ شده‌ای بسازی باب طبعشان. اما وقتی فیلم را برای بومی درست می‌کنی، دیگر دروغ و غلو جایی ندارد



گروه هنری // صدف محمودی:

رها فریدی متولد و بزرگ شده تهران از مادری هرمزگانی و پدری فارسی ست. فیلم «چی چکا قصه ی شب» ساخته اوست، که مستندی است از زندگی هنرمند هرمزگانی «ابراهیم منصفی». این فیلم که پنجره‌ای به هرمزگان باز می‌کند و موسیقی و رسوم مردمان این منطقه را به تصویر می‌کشد، در ۱۶ آذر ۹۷، روز تولد رامی در بندرعباس اکران شد و مورد استقبال و توجه مخاطبان قرار گرفت. از این رو با رها گفت و گویی صمیمانه داشتیم.

خودت را معرفی کن.

من رها فریدی هستم متولد تهران و از مادری هرمزگانی. در دانشگاه در دو رشته تاتر و مترجمی انگلیسی تحصیل کرده‌ام اما بیشترین آموخته‌هایم از خارج از دانشگاه بوده. از سال ۱۳۸۰ تا به امروز ۱۷ فیلم کوتاه، مستند، تجربی ساخته‌ام که همه بازیگوشی‌هایی بودند برای پاسخ به کنجکاوی‌هایم. از ۱۳۸۱ به مدت ۸ سال به عنوان تهیه‌کننده رادیو و محقق موسیقی در زمینه‌های فرهنگی، هنری و اجتماعی به طور مستقل فعال بودم. در ۸ سال اخیر مشغول سفر، موسیقی و ساخت فیلم «چی چکا قصه ی شب» بودم.

چه شد که این فیلم را ساختی؟

اندیشه و مرام منصفی، تاثیر واضح بر موسیقی هرمزگان و نسلهای بعد و همچنین آداب نسل‌آزیک هرمزگان... همه جمع و منجر به ساخت این فیلم شد.

مادر بزرگم زن جنوبی تمام عیار بود و هنوز مثل من و مادرم دستخوش پایتخت، لباسشویی، ماهواره و اینترنت نشده بود. وقتی ۵ ساله بودم بر اثر تصادف با یک کامیون درگذشت، اما همان خاطرات محو و کوتاه‌ام از او به شدت در زندگی‌ام الهام بخش و تاثیرگذار بود. خانه مادر بزرگم در بندرعباس، قبل از اینکه جاده و بلواری باشد، چند قدمی شن و ماسه و صدف بود تا برسد به دریا. در و پنجره‌های فیروزه‌ای، نون ریخته رو تاوه، بوی کنار و انبا، لکه‌های قرمز توت رو زمین حیاط خانه... موسیقی بندری، چمک، سرکنکی اقوام و گیتار... که وارد شده بود با منصفی به این دیار... ثبت و ضبط باقی مانده این فرهنگ آبا اجدادی آرزویم بود، فرهنگی که مثل تمام آداب قدیم جهان کم کم دستخوش تغییر و زندگانی مدرن می‌شود و روز به روز طعم و بویش را بیشتر می‌بازد. این فیلم تلاشی بود در این راه.

در بدترین شرایط مالی و روحی تصمیم به ساخت فیلم چی چکا گرفتم، به نوعی این بحران موجب همزاد پنداری بیشتر من با منصفی شد. شخصیت هنجارشکن منصفی، اوج و فرودهای احساسی اش بی شباهت به زندگی خودم نبود. سال ۸۸ زمانی که مثل بسیاری از هم صنفان خودم مجبور به ترک شغلم شدم، با یک هندی‌کم و دستگاه ضبط صدا به بندرعباس آمدم و شروع کردم. به مدت ده سال هر پاییز و زمستان به جنوب می‌آمدم. ابرام در همان محله‌ای می‌زیست که تمام اقوام مادری‌ام. دوستی نزدیک منصفی با قبیله‌مان و تحقیق‌های گذشته‌ام در زمینه موسیقی جنوب، راه را هموار کرد.

از دیگر فعالیت هایت بگو

همیشه واکمنی همراه داشتم که با آن موسیقی به گوش بومد و یا صدای مردم کوچه بازار و قصه‌هایشان را ضبط می‌کردم. چرایی‌های بسیاری هم همیشه همراه من بود. مردم‌نگاری و موسیقی که هر بار به اشکال مختلف تولید و ابراز می‌شدند. بازیگوشی‌هایی که در غالب فیلم تجربی و مستند، قصه‌های رادیویی، نوشته، عکس و یا یک قطعه موسیقی درمی‌آمدند. متأسفانه هیچ وقت پروژه

پخش را خیلی جدی نمی‌گرفتم و پروسه ساخت بود که برایم جذابیت داشت. اما در سال‌هایی که تهیه‌کننده رادیو بودم کارهایم امکان پخش داشتند و هنرمندان بسیاری را از هرمزگان و دیگر نقاط ایران معرفی کردم. از هرمزگان مصاحبه‌های گروه‌های جهله، مامبولیوا و افرادی مانند خالو قنبر راستگو، حمید سعید، احمد روان، موسی کمالی، ابراهیم علوی، هادی آرمین، مسعود درگاهی، حسن کرمی و... در اشل جهانی اولین بار از میکروفن من پخش شد.

به جنوب زیاد سفر کردی، فقط به خاطر داشتن پیشینه خانوادگی؟

من عاشق سفر کردن هستم. با اتوبوس، قطار، دوچرخه و حتی پیاده، به تنهایی به نقاط مختلف ایران سفر کردم.

بسیاری از فیلم‌هایم را در خلال سفرهایم ساختم، دوربین و میکروفن ابزاری بودند که در این سفرها از من محافظت می‌کردند. جاهایی می‌رفتم که خیلی‌ها می‌گویند جای یک زن جوان نیست، اما اگر ترس و ممنوعیت را از کوله‌ات حذف کنی و جایش را به دستگاه ثبت و ضبط دهی، دیگر به تو به چشم

در سال‌هایی که تهیه‌کننده رادیو بودم

کارهایم امکان پخش داشتند و هنرمندان بسیاری را از هرمزگان و دیگر نقاط ایران معرفی کردم. از هرمزگان مصاحبه‌های گروه‌های جهله، مامبولیوا و افرادی مانند خالو قنبر راستگو، حمید سعید، احمد روان، موسی کمالی، ابراهیم علوی، هادی آرمین، مسعود درگاهی، حسن کرمی و... در اشل جهانی اولین بار از میکروفن من پخش شد

یک دختر تنها و آسیب پذیر نگاه نمی‌کنند، چرا که تو را امکانی می‌بینند برای نقل قصه‌هایشان به دنیا و این امنیت می‌آورد.

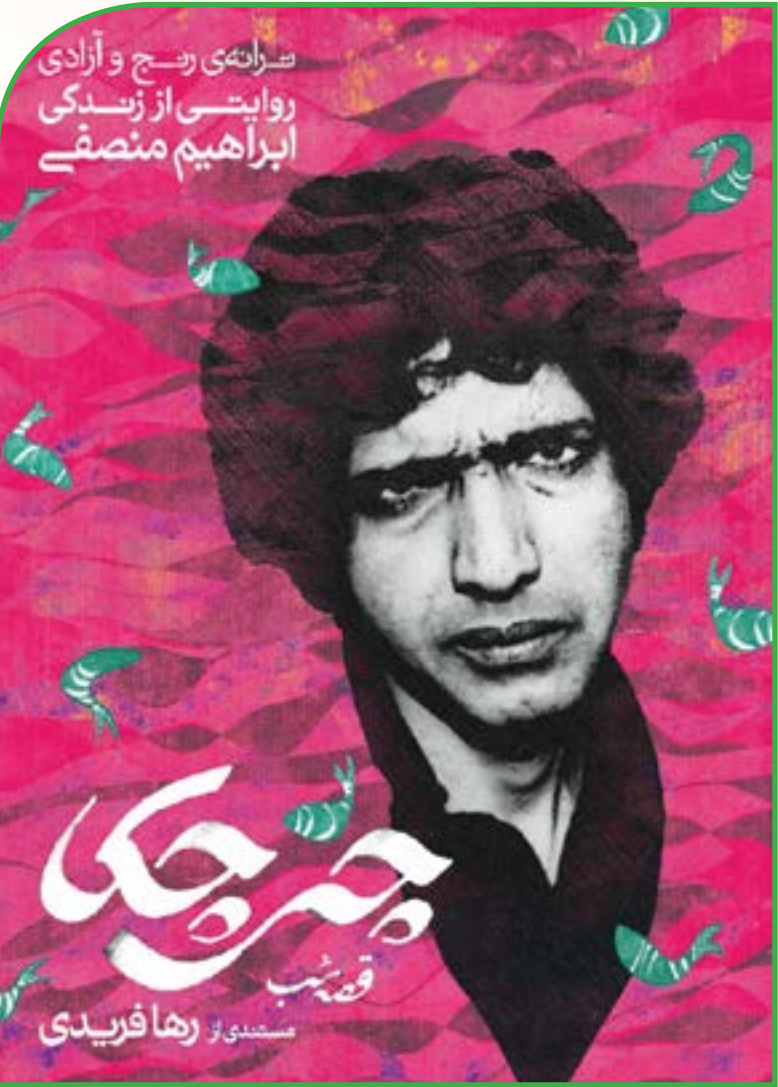
هزینه ساخت فیلم چطور تامین شد؟

هزینه ساخت این فیلم هم خود داستانی دارد. من می‌خواستم برای هرمزگان فیلم بسازم، اما می‌دانستم که نه تنها هزینه‌هایش از اینجا تامین نخواهد شد، بلکه بخت یارم است اگر گوجه فرنگی به سمتم پرتاب نشود. اینجا ظرفیت نقد بسیار پایین است. تلاشم ساختن فیلمی خاکستری بود یعنی نزدیک ترین به حقیقت انسان که این موضوع هم برای بت پرستان ناخوشایند است و هم برای معارضان.

بیشتر هزینه ساخت فیلم را خودم و خانواده‌ام پرداخت کردیم، حتی خانه ام را اجاره دادم تا بتوانم مخارج فیلم را جور کنم. در آخر دیدم که بی پول نشسته‌ام، با یک فیلم تدوین شده که هنوز نه اصلاح رنگ شده و نه اصلاح صدا، تیتراژ و زیرنویس هم ندارد. به پیشنهاد یکی از دوستانم فیلم را در سایتی معرفی کردم که در این سایت مردم سراسر جهان طرح هنرمندان را می‌بینند و اگر دوست داشته باشند به آن کمک می‌کنند. از یک تومان گرفته تا هر چه هرکس پرداخت. روش بسیار جالبی است که به تولید کنندگان و هنرمندان این امکان را می‌دهد که با کمک مردمی، استقلالشان را حفظ کنند و دست دراز و وابسته و هیچ ارگان و سیاستی نباشند. یک چهارم هزینه فیلم نیز از این راه تامین شد و از میان حامیان پروژه دوستان ارزشمندی پیدا کردم.

هدف از ساخت این فیلم چه بود

هدفم بی شباهت به هدف خود منصفی نبود.



او دوست داشت واژگان هرمزگان را با اشعارش زنده نگه دارد. من هم می‌خواستم ظرافت‌های شخصیت منصفی، رنگ و روی بندر قدیم و موزیسینهای معاصر هرمزگان را برای نسلهای آینده

می‌کنند؟ بیشتر تولیدکنندگان در آثارشان از مردم مناطق محروم به عنوان مترپال استفاده می‌کنند و قصدشان مطرح کردن خودشان و جایزه است نه کمک به بومی‌ها.

اگر هرمزگانی این فیلم را دوست داشت به خاطر این بود که خود واقعی‌اش را بر پرده سینمایش دید. قصه ی شهر و محله‌اش را شنید. یک شات از درخت گارومزنگی می‌بردش به خانه مادر بزرگ و به کودکی، این اتفاق برای غربی نمی‌افتد. من اینجا زندگی کرده‌ام با غذا و زبان بندری بزرگ شدم و هرآنچه که در فیلم به تصویر کشیدم از حیوانات و گیاهان تا معماری، همه المانهایی بودند که در دست نوشته‌ها و اشعار منصفی می‌توان یافت.

اکران عمومی خیلی خوب بود، کاملاً راضی بودم اما ای کاش سانس‌های بیشتری می‌بود، چون خیلی‌ها بدون بلیت پشت در ماندند و شرمندешان شدم. اما اخبار خوش این است که در تلاشیم به زودی فیلم اکران سراسری داشته باشد که همه چیز آماده است و فقط باید پروسه ارشاد راطی کند

اکران عمومی چطور بود؟

اکران عمومی خیلی خوب بود، کاملاً راضی بودم اما ای کاش سانس‌های بیشتری می‌بود، چون خیلی‌ها بدون بلیت پشت در ماندند و شرمندешان شدم. اما اخبار خوش این است که در تلاشیم به زودی فیلم اکران سراسری داشته باشد که همه چیز آماده است و فقط باید پروسه ارشاد راطی کند.

در آینده باز هم فیلم می‌سازی؟

بله. در حال حاضر دو طرح را به آرامی پیش می‌برم که به موسیقی و مردم نگاری بی‌ارتباط نیست. خودم را هنرمند تجربی می‌دانم. نمی‌گویم که فقط فیلم ساز هستم چون نمی‌خواهم همیشه در همان قالب بمانم. هنرمند تجربی از طرق مختلف و ابزار متفاوتی می‌تواند دنیایی که مشاهده می‌کند را بازتولید کند.

سخن پایانی.

در پایان تشکر می‌کنم از آقای اسفندنیا مدیر سینمای ستاره شهر که در اکران این پروژه بسیار کمک کرد و خودش پیگیر شد و تا این اتفاق نیفتاد دست نکشید. چنین پروژه سنگینی بدون حمایت افراد بسیاری اصلاً ممکن نبود به ویژه خانواده‌ام و خواهرم آزا که همیشه در سختی‌ها همراهم بوده و به من ایمان داشته. تمامی حامیان که در اینترنت با پروژه آشنا شدند و با کمکشان امید تازه‌ای به من بخشیدند. تصحیح صدا را امیرحسین قاسمی به عهده داشت و تصحیح رنگ کار فرهاد قدسی بود که هر دو از بهترین‌ها هستند.

خطاطی نوید قائم مقامی آرایش زیبایی به فیلم داد. فیلم در ابتدا ۱۴۰ دقیقه بود و بدون کمک و همراهی دلسوزانه کامبیز صفاری، جسارت کوتاه کردنش را نداشتم. و تمامی افرادی که در فیلم حضور دارند که هر یک با حضور جذباتشان این اثر را روح بخشیدند.